



A Survey on Space and Place Based on the Transcendence of Iranian- Islamic Architecture

ARTICLE INFO

Article Type

Descriptive Study

Authors

Mahdi Nejad J.¹ PhD
Sadeghi Habib Abad A.*¹ MSc

How to cite this article

Mahdi Nejad J, Sadeghi Habib Abad A. A Survey on Space and Place Based on the Transcendence of Iranian- Islamic Architecture. Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning. 2019;8(4):231-239.

ABSTRACT

Aims Space is the most fundamental aspect of architecture, whose survival directly depends on place survival. The origin of the sense of space is the place that is closely related to it. Architecture space, as one of the main carriers of the art, has a prominent place in society. The place and space were raised as a main subject in both philosophy and architecture and an important part of the literature of these two has human thought aspect. It can be said that the relationship between place and space and their impact on environmental psychology of architecture is the most basic requirement to understand the architecture and the transcendental sense of space to architecture. One of the objectives of this study is to examine the characteristics of the place in creating architectural space, which will be dealt with.

Materials & Methods This is descriptive-analytical research and it is based on library documents; also, interviews with experts in this field helped us in this regard. The question ahead is "how much can space in architecture affect the audience feeling and how much important is the position of place in the architectural space?"

Findings A space in architecture is beautiful when the special attributes of space are in harmony with space operations. This is a principle, which is evident in the study of traditional architecture.

Conclusion Identification of useful elements in the sense of place and space can help us in creating a successful architecture. The positive energy emitted from the architecture space to the audience is controlled by architect and s/he can use it.

Keywords Art of Space; Iranian-Islamic Architecture; Sense of Place; Psychology of Space; Perception

¹Architecture Department, Architecture & Urbanism Engineering Faculty, Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran

*Correspondence

Address: Shahid Rajaee Teacher Training University, Shahid Sabanloo Street, Lavizan, Tehran, Iran.
Postal Code: 1678815811
Phone: -
Fax: -
a.sadeghi@srttu.edu

Article History

Received: December 09, 2018
Accepted: February 13, 2019
ePublished: March 11, 2019

CITATION LINKS

[1] Encyclopedia of architecture ... [2] Culture pressed English-Farsi ... [3] Architecture as Space ... [4] Qualitative space. Farhangestan e Honar ... [5] The study and necessity of "infill" development in urban planning and management with ... [6] The role of water in Persian ... [7] About today's architecture of ... [8] An essay on the importance of space and place to bring honor ... [9] The hidden dimension ... [10] Investigating the Design indicators for increasing the security ... [11] Evaluation of aesthetics and place ... [12] Architecture Presence, Language and ... [13] Exploring the meaning of quality from urban space users' ... [14] The phenomenological contribution to environmental ... [15] An Essay on Islamic-Iranian architecture and sacred art features ... [16] A survey on spatial integration and its evolutionary progress ... [17] Evolution of socio-spatial meaning in Iranian ... [18] Perception ... [19] Visual space perception ... [20] The role of physical factors affecting the neighborhood ... [21] Mind and cognition: An ... [22] investigating the physical factors of ... [23] Criticism: The lost of Iranian life ... [24] Derrida and the theory of meaning in ... [25] Sacred space ... [26] Critical analysis of spirituality and its empirical indicators ... [27] Spirituality and child development ... [28] Review and assessment of influential components ... [29] Expressions of Islamic ideas and foundations in ... [30] The wisdom of contacting nature ... [31] Companion of opposites in Iranian ... [32] The fate of primary memory items ... [33] A framework for analysis affecting behavioral ... [34] The relationship between the identity of the ... [35] Mihrabi rugs structure: Representation of mosque ... [36] The Necessity of Revitalizing the Traditional Elements ... [37] A Comparative on the decorative holy scrolls ... [38] Explanation of the role of meaning component ... [39] Perception in architecture measuring European ... [40] Applying the contextualism approach in regeneration...

تفحصی بر فضا و مکان مبتنی بر استعلای معماری و شهرسازی اسلامی ایرانی

جمال‌الدین مهدی‌نژاد PhD

گروه معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، ایران

علی صادقی حبیب‌آباد* MSc

گروه معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، ایران

چکیده

اهداف: فضا اساسی‌ترین وجه هنر معماری است که بقای آن به‌طور مستقیم به بقای مکان وابسته است. منشأ حس فضا، مکان است که رابطه نزدیک به هم دارند. فضای معماری به‌عنوان یکی از حامل‌های اصلی هنر دارای جایگاهی شاخص در جامعه است. مکان و فضا در حوزه فلسفه و معماری به‌عنوان یک موضوع اساسی مطرح بوده و بخش مهمی از ادبیات این دو وجه اندیشه انسانی را به خود اختصاص داده است. می‌توان گفت همین رابطه میان مکان و فضا و تاثیر آن در روان‌شناسی محیطی معماری، اساسی‌ترین لازمه درک معماری و استعلایی شدن حس فضا به معماری است. بررسی مشخصه‌های مکان در ایجاد فضای معماری، از اهداف این گذار است که بدان پرداخته خواهد شد.

ابزار و روش‌ها: روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر اسناد کتابخانه‌ای است. همچنین مصاحبه با افراد صاحب‌نظر در این زمینه ما را در این امر یاری کرده است. سؤال پیش رو آن است که به چه میزان فضا در معماری، می‌تواند حس مخاطب را تحت تاثیر خود قرار دهد و جایگاه مکان در فضای معماری به چه میزان اهمیت دارد؟

یافته‌ها: یک فضا در معماری وقتی زیبا است که صفتهای ویژه فضا با عملکردهای فضا هماهنگی داشته باشد و این اصلی است که در بررسی معماری سنتی و قدیمی کاملاً مشهود است.

نتیجه‌گیری: شناخت مولفه‌های مفید در حس مکان و خلق فضا می‌تواند ما را در ایجاد معماری موفق کمک نماید و انرژی مثبتی که از سمت فضای معماری به مخاطب ساطع می‌شود را در کنترل معمار درآورد و از آن بهره جست.

کلیدواژه‌ها: هنر فضا، معماری ایرانی-اسلامی، حس مکان، روان‌شناسی فضا، ادراک

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۴

* نویسنده مسئول: a.sadeghi@srttu.edu

سوم به وجود می‌آورد و مسئولیت بیشتری بر دوش برنامه‌ریزان شهری و معماران می‌نهد. اگر معماری به گونه‌ای باشد که تاثیر منفی بر مخاطبین داشته باشد دیگر جایی برای آسایش و راحتی انسان‌ها وجود نخواهد داشت. فضای معماری که اصلی‌ترین محیط در ارتباط با انسان‌ها است باید مورد توجه قرار گیرد و بر روان‌شناسی محیط و برداشت انرژی از مکان، تحقیقاتی انجام گیرد و مورد استفاده سازندگان قرار گیرد.

با اینکه بسیاری از معماران، فضا را ذات و ماهیت معماری می‌دانند و با وجود مطالب زیادی که در باب اهمیت فضا در معماری عنوان شده و می‌شود، در فرهنگ‌ها و دایره‌المعارف‌ها تعریفی از مفهوم فضا در معماری به چشم نمی‌خورد. فقدان واژه فضا در کتاب‌های مرجع معماری نیز کاملاً قابل توجه و تعجب‌انگیز است. دلیل این امر شاید این باشد که تلقی و کاربرد معماران از واژه فضا چنان واضح است که نیازی به توضیح واژه‌ای کاملاً مشخص، احساس نمی‌کنند؛ اما این برهان ساده، آنجا که درمی‌یابیم این واژه در متن تاریخ طولانی معماری نسبتاً جدید است و در دهه‌های اخیر مفهومی بحث‌انگیز بوده است، اعتبار خود را از دست می‌دهد. معماری به لحاظ خصلتی که دارد برعکس، از جهان تجرید آغاز می‌کند و به عینیت می‌انجامد. اولین ایده‌های معماری می‌توانند از مسایلی کاملاً تجربیدی مانند مبانی پروژه، الگوهای هندسی یا دیگرام‌های تحلیلی کاربری‌ها متولد شوند. در نهایت، فضای ساخته‌شده محیطی مصنوع و فیزیکی است که در آن، علاوه بر پرورش ذهن، فعالیت‌های طبیعی و بیولوژیک انسان نیز صورت می‌گیرند؛ بنابراین در مراحل مختلف تحقق یک اثر، فضای معماری سروکار دارد. توجه به خلف فضا در مکان مناسب (طرف مناسب) می‌تواند به خلق فضایی مناسب در راستای تاثیر مطلوب روان‌شناسی محیط کمک کند. عموم معماران فضا را اصلی‌ترین یا یکی از اصلی‌ترین عناصر معماری می‌شناسند. فضاهای معماری به بیانی توصیف مادی مکان یا ظرفی است که در آن بخشی از فعالیت‌های مربوط به زندگی بشر را صورت می‌پذیرند؛ بنابراین فضای معماری با زندگی رابطه‌ای ناگسستنی دارد.

ابزار و روش‌ها

در این پژوهش ضمن مروری بر تحقیقات انجام‌شده در زمینه حس مکان و فضا، به مطالعه و بررسی کتب، استاد و مقالات در این خصوص پرداخته شده و روش تحقیق در این نوشتار، براساس روش کیفی و استدلال منطقی استوار است. همچنین مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای اساس بیان، تحلیل، توصیف و تفسیر مطالب موجود در این مقاله را تشکیل می‌دهد. پژوهش کیفی به تفسیر شرایط می‌پردازد و بر نقش محقق به منزله عنصری حیاتی در نتیجه حاصل از تحقیق تاکید خاص دارد؛ و در ادامه از مصاحبه با افراد صاحب‌نظر بهره جسته است.

فرضیه تحقیق: می‌توان با بررسی و شناخت عوامل موثر بر حس مکان و فضا این فرضیه را مطرح کرد:

استفاده از الگوهای مفید و توجه به حس مکان در ارتباط با روان‌شناسی محیط، می‌تواند مکان را به فضایی دل‌چسب و تاثیرگذار تبدیل نماید. از این رو شناخت مولفه‌های مفید در حس مکان و خلق فضا می‌تواند ما را در ایجاد معماری موفق کمک نماید و انرژی مثبتی که از سمت فضای معماری به مخاطب ساطع می‌شود را در کنترل معمار درآورد و به‌خوبی از آن بهره جست.

مقدمه

معماری اجتماعی‌ترین هنر بشری است. به غیر از دوران گردآوری خوراک، حضور فضا، بنا و شهر از گذشته تا امروز و در آینده، لحظه‌ای از زندگی روزمره آدمیان غایب نبوده و نخواهد بود. بشر نیازمند فضایی است که او را در مقابل تاثیرات محیط محافظت نماید. این نیاز از ابتدای زندگی تا به امروز تغییر چندانی نداشته است. این فضای محافظ یا همان فضای معماری، مرکزی است که بر مبنای آن تمامی ارتباطات فضایی شکل یافته و سنجیده می‌شوند. ارتباطات فضایی بین افراد، سیستمی است پیچیده از تمایل به نزدیکی، فرار، نادیده‌گرفتن، توجه‌نکردن و غیره؛ به این دلیل فضای معماری نمی‌تواند تنها با توجه به فضایی ریاضی طرح شده باشد، بلکه لازم است طرح فضا به ترتیبی باشد که تمامی ارتباطات اجتماعی-روانی انسان‌ها تقویت شود یا اینکه لاقلاً برای آنها مزاحمتی ایجاد نشود.

رشد روزافزون و افقی شهرها به‌همراه افزایش جمعیت آنها موجب بالارفتن قیمت زمین‌های شهری، رشد عمودی آنها و افزایش تراکم جمعیت شهری شده است. توسعه نامتناسب شهرها به‌همراه این رشد افسارگسیخته در سال‌های اخیر و توجه‌نکردن مدیران شهری به توسعه پایدار، مشکلات عدیده‌ای را به‌خصوص برای شهرهای جهان

می‌توانیم بعد چهارم (زمان) را به شکلی معنی‌دار به فضا وارد کنیم، این است که توجه خود را به فرآیند تکامل و تحول فضا معطوف کنیم. دنبال کردن خط سیر ساخته شدن و دگرگون شدن فضا به ما اجازه می‌دهد که چهارمین بعد را به درک فضایی خود بیفزاییم. از یک سو باید فضا را در متن روند سیاسی و اقتصادی تولیدکننده آن بررسی کنیم. از سوی دیگر با دیدن فضا به مثابه محصولی اجتماعی، می‌توانیم بعد چهارم را در درک فضایی خود جای دهیم، چرا که تحرکی در روابط اجتماعی است که تنها به‌کارگیری مفهوم فضا زمان این امکان را به وجود می‌آورد که چنین تحرکی به روابط اجتماعی فضا ساختی وارد شود. تجربه زیست در فضا، از مواردی است که زمان در آن نهفته است.

فضا در معماری: در میان نظریه‌پردازان معماری مدرن، برونو زوی^۲ و زیگفرید گیدئون^۳ از جمله افرادی هستند که به شکل نسبتاً جامعی مفهوم فضای معماری را مورد کنکاش قرار داده و سعی نموده‌اند اهمیت آن را در معماری بازنمایانند. زوی معماری را هنر ساختن فضا معرفی می‌کند^[۳]. نقی‌زاده و امین‌زاده نیز با تأکید بر عوامل فرهنگی، چنین می‌گویند: عناصر و عوامل شکل‌دهنده فرهنگ‌ها، از عوامل اصلی تعریف‌کننده فضا هستند^[۴]. برونو زوی معماری را هنر فضا و فضا را ذات معماری معرفی می‌کند، ولی او طبیعت فضای مورد بحث را مشخص نمی‌نماید. برداشت او از فضا صورت واقع‌گرایانه دارد. به اعتقاد او، نماها و دیوارهای یک خانه، کلیسا یا کاخ مهم نیست که چقدر زیبا باشند، آنها تنها طرف‌اند و به جعبه شکل می‌دهند، نهاد و مظهر فضای داخلی است. ذات معماری برای زوی، سازمان‌دهی معنادار فضا از طریق فرآیند محدودسازی است؛ بنابراین از این دیدگاه، فضا ماده‌ای با گسترش یکسان است که می‌توان از طریق تعیین محدوده‌ها در آن، به شیوه‌های مختلف به آن شکل داد. زوی با تعمیم مفهوم فضای معماری، فضای جدیدی با عنوان فضای شهری را نیز تعریف می‌نماید. او بر این عقیده است که تجربه فضایی معماری در شهر تداوم می‌یابد، در خیابان‌ها، میدان‌ها، کوچه‌ها، پارک‌ها، استادیوم‌های ورزشی، حیاط‌خانه‌ها و در هر جایی که ساخته دست انسان خلاها را محدود کرده و فضاهای بسته‌ای به وجود آورده است.

در واژه‌نامه تخصصی معماری واژه فضا در حوزه معماری و هنرهای دیداری این گونه تعریف شده است. "فضا": حوزه‌های گسترش‌یابنده و در عین حال فراگیرنده بوده و جایگاهی یا محیطی را در ابعاد جسمانی یا فیزیکی و روان‌شناختی تعریف می‌نماید. از کل روابط شکل، رنگ و حرکت شکل‌گرفته، گاه خالی یا منفی است و گاه فاصله میان عناصر را مشخص می‌نماید، خواه این فاصله در سطح باشد یا در عمق که توسط قواعد پرسپکتیو مجسم می‌شود. فضای دوبعدی فقط طول و عرض داشته، فضای تریبونی نیز به طول و عرض محدود است. فضای سه‌بعدی شامل عمق، طول و عرض است. فضای چهاربعدی، علاوه بر ابعاد سه‌گانه بعد زمان را می‌رساند که به آن، فضای لاینتاهی می‌گویند. تصویری است که توهم فضا در آن معادل بی‌کرانگی در محیط است.

فضای کنترل‌شده ساختمان: بخش‌هایی از فضای داخلی ساختمان که مورد استفاده انسان‌ها قرار می‌گیرد و در اوقات سرد سال، گرم شده و طی اوقات گرم سال خنک می‌شود. شرایط حرارتی این فضاها در ساختمان باید در محدوده آسایش باشد.

فضای کنترل‌شده ساختمان: بخش‌هایی از فضای داخلی ساختمان که در اوقات گرم یا سرد سال ضروری نیست خنک یا سرد شوند. انبارها، پارکینگ‌هایی که از سه طرف با دیوار محصورند، دالان‌ها و

ضرورت و اهمیت پژوهش: تعاریف مختلفی که تاکنون از معماری ارائه شده است، اغلب به گونه‌ای بر اهمیت فضا در معماری تأکید می‌کنند، به طوری که وجه مشترک بسیاری از این تعاریف، در تعریف معماری به‌عنوان فن سازمان‌دهی فضا است؛ به عبارت دیگر موضوع اصلی معماری این است که چگونه فضا را با استفاده از انواع مصالح و روش‌های مختلف، به نحوی خلاق سازمان‌دهی کنیم. یکی از مهم‌ترین موضوعات در طراحی معماری توجه به بحث روان‌شناسی محیط و تأثیر فضا بر روح و روان انسان است که امروزه کمتر به آن اهمیت داده شده و نادیده گرفته شدن این موضوع تأثیر بسزایی بر روحیه و خلق‌وخوی اکثر جامعه گذاشته است. رابطه مستقیم حس مکان و فضا و تأثیر آن بر روان‌شناسی محیطی معماری آن بنا حایز اهمیت است که باید مورد توجه معماران قرار گیرد تا کاربرانی که همه‌روزه در معرض شلوغی شهر و نابسامانی معماری شهری هستند، بتوانند با جذب انرژی‌های مثبت ساطع‌شده از طرف فضا، آرامش روحی را به خود هدیه دهند و مکان، مکان آسایش و مثبت قلمداد شود.

فضا: در فرهنگ معین، فضا چنین معنا شده است "مکان وسیع، زمین فراخ، ساحت؛ مکانی که کره زمین در منظومه شمسی اشغال می‌کند". در هر دو تعریف، واژه مکان به کار رفته و این نشان می‌دهد که فضا، دارای مکان است، یا همان مکانی است که می‌توان به درون آن رفت؛ پس فضا قطعاً یک جای تهی است^[۱].

در فرهنگ آریان‌پور، فضا چنین معنا شده است: "فضا، اسپاش، گر زمان (فروغ ابدی و ازلی)، سپهر، فراز آسمان (فراز زمان)، گردون؛ فضایی، اسپاشی، گر زمانی، سپهری، فرازمانی، کیهانی؛ (معمولاً سه‌بعدی) جا، مکان، فراخه گبخانه؛ فاصله، مسافت، دوری، دورنا؛ (روزنامه و غیره) جا برای آگهی؛ (عامیانه) آزادی عمل، خلوت؛ (ریاضی) فضا، اسپاش؛ (موسیقی) فضا یا فاصله میان دو حامل؛ (چاپ و نگارش) فاصله میان دو واژه یا دو خط یا دو سطر"^[۲].

شناسایی فضای ساخت دست بشر در بستر طبیعت همواره بسیار آسان بوده است. طبیعت و معماری هر دو دارای نظم هستند، لیکن نظم این دو به لحاظ ساختاری کاملاً متفاوت است. انسان در خلق فضا از الگوهای کلی ذهنی بهره می‌جوید. همان‌گونه که انسان برای شناخت جهان فیزیکی، جهان ساده‌تر قواعد علمی را پدید آورده است (که به‌صورت موازی ولی مربوط با جهان فیزیکی شکل گرفته است)، فضای معماری نیز مربوط به جهان عملی ولی دارای نظمی ساده‌تر است.

مشکل معماری ما از آموزش دانشگاهی شروع می‌شود. دانشجویان هنوز امکانات مختلف سازمان‌دهی فضایی یک حجم ساده، مانند مکعب را نمی‌دانند، اما با پروژه‌هایی دشوار و پیچیده مانند بیمارستان، دانشگاه و کتابخانه روبه‌رو می‌شود. هجوم اطلاعاتی و پیش‌فرض‌ها چنان است که با وجود وقت بسیار کم دانشجویان ناگزیر به سراغ نمونه‌های ساخته‌شده می‌روند و بنابراین نه مهارت فنی لازم را کسب می‌کنند و نه از اصول سازمان‌دهی فضا سر در می‌آورد. مفهوم فضا زمان که تداوم در زمان در آن مستتر است، در هنر و معماری با حرکت در درون فضا مصداق پیدا می‌کند. معماری به معنای مکانی که موجودیت جسمی یافته است، می‌تواند زندگی شود و پیموده شود یا می‌تواند اندازه‌گیری مکانی و اندازه‌گیری زمانی شود. بدین معنی که بیننده برای درک کامل فضای معماری و یک ترکیب فضایی بایستی در آن حرکت کند تا بتواند آن را از جهات مختلف ببیند و حرکت احتیاج به زمان دارد. به این ترتیب زمان اصطلاحاً تبدیل به بعد چهارم در ادراک فضا می‌شود. به عبارتی بعد چهارم یعنی زمان، به فضا تحرک می‌بخشد. روشی که

ذهنی از فضا بینجامد. این عینیت قابل ادراک بر مبنای محرک‌های حسی و تجربیات شخصی و قومی و جمعی و چارچوب‌های فرهنگی و قضاوت‌های زیبایی‌شناسی و ارزش‌ها و ایده‌آل‌ها و آرمان‌ها ادراک می‌شود و نهایتاً تصویر ذهنی در ذهن ناظر شکل می‌گیرد. قابلیت ایجاد تصویر ذهنی از فضا در ذهن انسان، قابلیت موجود در فضای معماری است که می‌تواند به ایجاد حس مکان بیانجامد. معماری یعنی خلق و سامان‌دهی فضاها، فضاهایی که ممکن است هر کدام القاکننده حالتی خاص در مخاطب خود باشند. منتهی مساله‌ای که در مورد درک از فضاهای معماری مهم می‌نماید این نکته است که بیشترین درک از فضای معماری به‌وسیله چشم صورت می‌گیرد البته نقش سایر حواس هم در درک برخی از فضاها اهمیت دارد. معمار یک بنا ایده‌ای خاص را در سر می‌پروراند و برای اینکه بتواند این ایده را به تصویر بکشد نیاز به خلق فضا دارد. و این فضای اوست که تعیین می‌کند کدام دیوار از چه نوع مصالحی و به چه رنگی در کجای فضای او ظاهر شود. شاید خیلی از مردم به غلط این برداشت را داشته باشند فضای معماری را دیوارها، ستون‌ها و سقف‌هایی که محصورش کرده‌اند به وجود آورده است. در صورتی که این برداشت نسبت به فضای معماری کاملاً غلط است چون همان طور که در پیش‌درآمد ذکر شد این ماهیت فضا است که تعیین می‌کند کدامین عنصر در کجا قرار گیرد.



شکل ۱) احساس فضا، همیشه با زمان و مکان در ارتباط است؛ میدان نقش جهان، اصفهان، ایران

مکان: مقوله مکان و فضا در هر دو حوزه فلسفه و معماری به‌عنوان یک موضوع اساسی مطرح بوده و بخش مهمی از ادبیات این دو وجه اندیشه انسانی را به خود اختصاص داده است. مکان و فضا مهم‌ترین عواملی هستند که نیازهای هویتی انسان را تأمین می‌کنند؛ به بیان روشن‌تر، مرزبندی و قابل تحدید بودن مکان و به تبع آن فضا، این امکان را برای آنها فراهم می‌کند که انسان‌ها با احساس متمایز بودن، ثبات‌داشتن و تعلق به گروه، امنیت و آرامش لازم برای زندگی را کسب کنند. محصورکردن فضا، باززنده‌سازی گذشته را میسر می‌سازد. داشتن محدوده یا حصار احساس کامل شدن را به وجود می‌آورد و در آن فضا با نظمی کامل از فضای اطراف متمایز می‌شود. حصار خانه آن را از اطراف متمایز می‌کند و میدان اتاقی در بیرون است که هر دو در کیفیت محصور بودن با هم اشتراک دارند. اگر باز شدن فضا به معنی خالی و بی‌معنی بودن است، محصورکردن، فضا دار کردن آن است. محدوده به‌طور عام و دیوار به‌طور خاص ساختار فضایی را به شکل گسترده‌ای پیوسته قابل رویت می‌کند. پس فضا گسترده‌ای پیوسته و بنا محصورکننده آن است که با یکدیگر رابطه شکل_زمینه برقرار می‌کنند. اگر این رابطه را حذف کنیم این دو هویت خود را از دست می‌دهند. شکل فضایی به دنبال معنایی‌ای که داشته، ایجاد شده و معنی پدیده در زمینه‌ای

مانند آنها. فضای معماری: فضایی که توسط سطوح به شکل‌های مختلف محدود شده و به عملکردهای تعیین‌شده پاسخ می‌گوید که موضوع و جوهر اصلی معماری است.

فضای معماری: معماری عبارت است از علم و هنر شکل بخش فضای زیست انسان؛ به عبارت دیگر معماری به‌وجودآورنده فضایی است که انسان را از عوامل طبیعی مصون داشته و فعالیت زندگی فردی و اجتماعی او را در برگرفته و به نیازهای مادی و معنوی انسان پاسخ‌گو خواهد بود. پس می‌توان گفت: فضایی که توسط سطوح عمودی و افقی به وجود می‌آید، موضوع و جوهر اصلی معماری است؛ به عبارت دیگر موضوع اصلی و در حقیقت جوهر معماری فضا است. یک ساختمان، فقط مجموعه‌ای از طول، عرض و عمق نیست بلکه مجموعه‌ای است از اندازه‌های مختلف فضاهای خالی که انسان می‌تواند در آن حرکت و زندگی کند [5]. عظمتی می‌گوید: مهم‌ترین مشخصه فضا، شکل است [6]. وی مفهوم فضا را در طراحی شهری، چنین بیان می‌دارد: در فرآیند طراحی، مفهوم فضا در رابطه با انسان و رفتارهای او که نشأت‌گرفته از فرهنگ است، بررسی می‌شود. مفهوم مورد نظر البته کلی بوده و در عین حال سعی در تحلیل مباحث کیفی فرهنگی موثر بر رفتار انسان و تبدیل آن به ابعاد و فرم فضا دارد [6].

در ادامه صارمی این‌گونه بیان می‌کند که: به نظر من معماری به خودی خود با توده‌ای از احجام سروکار دارد که این احجام شکل خاصی دارند و ما در اولین نگاه توده معماری را می‌بینیم [7].

چنینک، ضمن آنکه معتقد است که عناصر خطی و صفحه‌ای، فضا را تعریف می‌کنند می‌گوید: در معماری، محدوده‌هایی محصور فضا که خوب تعریف می‌شوند در سطح مختلف یافت می‌شوند. آنها از یک میدان بزرگ شهر گرفته تا حیاط داخلی یک بنا و تا اتاق در درون سازمان‌دهی بنا یافت می‌شوند [8].

میلانی این‌گونه بیان می‌کند که: یک فعالیت معین می‌تواند فضایی را معرفی کند؛ لیکن به واسطه استفاده از عناصر مختلف بدون انجام آن فعالیت نیز می‌توان فضای مناسب برای انجام آن فعالیت ایجاد کرد که عموماً در فهم و تعریف آن کارکرد شکل نداشته باشند. معماری، نوعی فضا سازی است. این دانش با خلق و ساخت فضا، به‌وسیله عناصر لازم و مناسب محقق می‌شود. هال در تبیین مختصات فضا بر ادراک فضا توسط حواس (بینایی، شنوایی، بویایی و لامسه) تأکید می‌کند [9]؛ بر همین اساس فضای زندگی اسکیموها را فضای صوتی_ بویایی می‌نامند (در محیط آنان به سبب یکنواختی نسبی مناظر نقش حس بینایی کاهش می‌یابد). در گفتگویی با دکتر حجت در مورد فضا این‌گونه بیان می‌کنند که: "فضا صرفاً ذهنی و سوژکتیو نیست، فضاهای مختلفی را می‌توان مثال زد که افراد مختلف با شخصیت‌های متفاوت از آن برداشت و تأثر همانندی دارند؛ زیرا انسان‌ها مشترکات روانی با یکدیگر دارند. به‌عنوان مثال فضای بزرگ و تاریکی را تصور کنید که دیوارهای حجیم و فلزی و تیره رنگ و خشنی داشته باشد؛ هر که به این فضا وارد شود خشونت و سنگینی را احساس می‌کند" (شکل ۱).

تصویر ذهنی از یک فضای معماری کلیه ذهنیت‌هایی است که محرک‌های فضا برای ناظر به وجود می‌آورد زمانی که آن را با تجربیات خود، اهداف و منظورهایش مقایسه می‌کند. در این فرآیند، ذهن جهانی را که در فرآیند ادراک حس می‌کند می‌آفریند. فضای مورد ادراک فرد کلیه اطلاعات پیرامون او (واقعیت موجود) نیست بلکه فقط بخشی از آن است که بر فرد ناظر تأثیر می‌گذارد. به عبارتی عینیت قابل ادراک است که می‌تواند به ایجاد تصویر

گوناگون طی هزاره‌ها و بر حسب نیازهای مشترک، الگوهای نسبتاً مشابهی به وجود آورده است و درک و فهم انسان از این فرآیند، وابستگی تام به ابزار درک وی از فضا دارد.

وقتی که در هنر به شکل کلی بحث از ادراک می‌شود، بدین معناست که ما به محتوای هنر توجه می‌کنیم، یعنی آن چیزی که می‌بایست به واسطه مخاطبانش فهمیده شود^[15]. اطلاعاتی را که از پدیده‌ها به شکل عام و از معماری به شکل خاص به ما می‌رسند در دو سطح تقسیم‌بندی کرده است: اطلاعات زیبایی‌شناختی و اطلاعات معنایی. این دو نوع اطلاعات، تکمیل‌کننده یکدیگرند. اطلاعات زیبایی‌شناختی بیشتر احساسات ما را متاثر می‌کنند و جنبه عاطفی دارند در حالی که اطلاعات معنایی خود اطلاعات و پیام را منتقل می‌کنند. این نوع از اطلاعات را می‌توان با مبحث ادراک‌شناختی در روان‌شناسی متناسب دانست. گروتر معتقد است که اطلاعات زیبایی‌شناختی ادراک در معماری توسط احساس و اطلاعات معنایی توسط شعور ادراک می‌شوند^[16]. محدوده تشخیص اندام‌های حسی و توانایی‌ها و خصوصیات فردی و عوامل دیگری نیز نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در این احساس و ادراک بازی می‌کنند. منظور از ابزار، امکانات طبیعی و اندامی انسان است و در حقیقت همان حواس اصطلاحاً پنج‌گانه است. حواس پنج‌گانه عامل و ارتباط‌دهنده قوه ادراک با محیط هستند و درک نسبتاً کاملی را برای ما به وجود می‌آورند^[17].

مکاتب مختلفی سعی کرده‌اند تا چگونگی ادراک انسان از رفتارشان را در محیط یا از محیط توضیح دهند. مهم‌ترین این مکاتب که تأثیر ژرفی بر تئوری‌های محیطی و طراحی داشته‌اند، مکتب روان‌شناسی گشتالت^[18] دیدگاه روان‌شناسی سازش‌مند یا تبادل^[19] و مکتب روان‌شناسی بوم‌شناختی جیمز گیبسون^[20] هستند.

معنا: نظریه‌های بسیار متنوعی درباره چیستی معنا ارایه شده است. در "نظریه تصویری معنا"، معنا یک "هویت ذهنی" و یک تصویر ذهنی است که قیام به ذهنیت فرد دارد. در "نظریه مصداقی معنا" معنای یک واژه در واقع، مابه‌ازا و محکی خارجی آن است. لیبسان معنای جملات را مفهوم که انتزاعی‌تر از تصویر ذهنی است، می‌داند و آن را "قضیه" می‌نامد. بدین ترتیب معنای یک جمله، یک هویت ذهنی متفرد و اشتراک‌ناپذیر و قائم به ذهنیت فرد به‌کاربرنده آن نیست؛ بلکه یک مفهوم ذهنی و یک قضیه اشتراک‌پذیر است که دیگران آن را درک و تحلیل می‌کنند^[21].

آنچه شالوده‌شکنی و نقطه ایده درید/ به‌عنوان بنیان‌گذار شالوده‌شکنی را از دیگر نظریه‌پردازانها در باب معنا متمایز می‌کند، عدم پذیرش تفکیک سنخیتی دال از مدلول است. وی اساساً به چیزی به نام "معنا" که در هویت و سنخیت، متمایز از لفظ و کلمه باشد، معتقد نیست. از نظر درید، کلمه به‌عنوان دال به معنا ارجاع نمی‌دهد، بلکه دال به دال دیگر برمی‌گردد. یعنی دال بر مدلول دلالت نمی‌کند؛ بلکه دال بر دال دیگر دلالت می‌کند. وی می‌نویسد: معنای معنا استلزام نامتناهی است؛ ارجاع بی‌پایان دالی به دال دیگر. نیرویش نوعی ابهام بی‌پایان و ناب است که به معنای مدلول و لحظه سکون نمی‌رسد؛ بلکه بی‌وقفه آن را در نظام محدّد خود درگیر می‌کند؛ به گونه‌ای که مدام باز دلالت می‌کند و به تعویق می‌افتد^[22]. معنا حضور یک حقیقت ماورایی در عالم گیتایی است جاودانگی در زمان، بی‌حد در مکان و ماهیتی غیرقابل اندازه‌گیری دارد که در لفافه‌ای محدود به نام صورت تجلی می‌یابد. صورت، جولان‌گاه و مکان ظهور ذات معنی است که دارای مقیاس و ظرفیت معینی است.

که ظاهر می‌شود درک می‌شود^[10].

تفسیر شوئتر از روح مکان به این نکته اشاره دارد که بناها می‌توانند روابط با محیط را درونی کنند. او در صدد است اصولی را برای ساخت مکان دریابد تا گذشته را با آینده پیوند زند. برای این کار باید قواعد از پیش موجود را بشناسد و در درون آن عمل کند. حفاظت از روح مکان یعنی عینی‌ساختن جوهر آن در زمینه‌های تاریخی جدید که همیشه در حال نوشدن است. به عبارت دیگر روح مکان بر این نکته دلالت دارد که "یک چیز چه هست و چه می‌خواهد باشد". اما این بدان معنی نیست که از شیوه‌های قدیم تقلید کنیم بلکه هویت مکان و تفسیر آن را به شیوه‌های جدید میسر سازیم. در آن صورت می‌توان از سنت زنده سخن گفت^[10]. هویت مکان به‌عنوان یکی از راه‌های ارتباط بین انسان و مکان از طریق فرهنگ، سابقه تاریخی، خاطرات جمعی، نوع و ماهیت فناوری ساخت، عملکردها، نشانه‌ها، فرم‌ها و نمادهای شهری و ویژگی‌های بصری و کالبدی، ادراک می‌شود^[11].

دل بستگی مکانی، معنایی است که ما در محلی که با آن آشنایی کامل داریم پیدا می‌کنیم و هویت مکان با محیط فیزیکی در ارتباط است. در بسیاری از موارد اینها به نظر می‌آید با هم درآمیخته شده و قابل تمایز نیستند. در واقع با پیشرفت دل بستگی مکانی در زمان، احساس هویت مکانی نیز شکل می‌گیرد ولی تفاوت آنها در ضمیری است که به هر یک از آنها مربوط می‌شود. به نظر می‌رسد هویت مکانی بر سطحی از ضمیر تمرکز دارد که ایجاد دل بستگی مکانی نمی‌کند. به‌عنوان مثال ما نسبت به خانه دوران بچگی خود احساس دل بستگی فراوانی می‌کنیم ولی در عین حال هویت خود را در شهر پدری خود می‌یابیم. تصور شخص از مکان زندگی‌اش به اجزای تشکیل‌دهنده آن مکان معنا می‌بخشد^[12]. انسان در مواجهه با یکی از عوامل تشکیل‌دهنده هویت خود احساس این‌همانی کرده و آن عینیت را ادامه عینی ذهنیت خود می‌داند، این عامل می‌تواند یک فضا باشد. هر فضا گو اینکه یک موجود خارجی و مستقل از ذهن است، اما در روند ادراک تبدیل به یک پدیده ذهنی می‌شود^[13]. رابطه انسان و مکان، بر پایه ارزیابی شخص از مکان شکل می‌گیرد. مفهوم ارزیابی محیط، به معنای ارزش‌گذاری تصورات فضایی انسان از فضای ادراک‌شده، به اضافه تجربیات شخصی و توقعات استفاده‌کنندگان فضا از آن است. سامون با ارایه مدلی، مکان و درک حس مکان را نتیجه ارتباط سه بعد درهم‌تنیده فعالیت، معنا (تصورت ذهنی-عینی) و ویژگی‌های کالبدی مکان تبیین می‌کند. در این مدل، عوامل کالبدی به‌واسطه کیفیت طراحی، معانی و فعالیت‌ها را بهبود می‌بخشد و با مرتفع‌ساختن نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی انسان باعث سلسله‌ای از ادراکات، رضایت‌مندی و در نهایت ایجاد حس مکان می‌شوند. ویژگی‌های کالبدی مکان بر احساسات و ارزش‌گذاری‌ها نسبت به مکان تأثیر می‌گذارد و سازگاری میان قابلیت‌های محیطی و نیازهای انسان را به معیاری برای تفسیر رابطه انسان و مکان مبدل می‌سازد^[14].

ادراک: نحوه ادراک محیط یکی از مباحثی است که فقط در صورت برقراری بین انسان و محیط به وجود می‌آید. در حقیقت حرکت در فضای معماری امکان دریافت تجربیات جدید و ادراک فضای معماری را به انسان منتقل می‌کند. معماری، با مجموعه احساسات و ایده‌هایی برای بهتر زیستن فرآیندی است فیزیکی که در قالب ساخت و خلق بناهایی برای عملکردهای مختلف و رفع نیازهایی همچون زیست، امنیت، آسایش و نیازهای بی‌شمار دیگر بشری نمود می‌یابد. شباهت‌های ناگزیر در ساخت و سازهای جوامع

مکان مقدس، مکان ارتباط با موجودات الهی است و از این جهت مأوای قدرت الهی به شمار می‌رود؛ مثلاً در بسیاری از ادیان بین زیارت اماکن مقدس و شفایافتن از بیماری‌های روحی و جسمی ارتباط بسیار نزدیکی وجود دارد و این نشانگر مواجهه با قدرت الهی در اماکن مقدس است. در اماکن های مقدس به رستگاری نیز می‌توان دست یافت. مکان مقدس اغلب یک استعاره بصری برای یک دنیای دینی است. رابطه میان نظم‌بخشیدن به فضا و نظم‌بخشیدن به حیات انسانی یک رابطه طبیعی است. مکان‌های مقدس دلیل محدودشدگی نقشه‌های طبیعی برای جهت‌دادن به زندگی و شکل‌بخشیدن به جهان هستند. آنها به فضا نظم می‌بخشند و این کار را با تنظیم مکان و هر آنچه درون آن است انجام می‌دهند^[25]. برخی معتقدند معنویت تجربیات و تظاهرات روح فرد در یک روند بی‌همتا و دینامیک که منعکس‌کننده ایمان به خدا یا یک قدرت بی‌نهایت است، اتصال (به یک فرد، دیگران، طبیعت یا خدا) و یکپارچگی همه ابعاد انسانی تعریف می‌شود^[26]. بحث‌های موجود در مورد معنویت، منجر به این شده است که معنویت امری ذهنی، مبهم و قطبی شود. در یک انتهای طیف، به معنویت مترادف با مذهب نگریده شده است، در حالی که در انتهای دیگر طیف برای تمام افراد فاقد ایمان یا اعتقاد به خدا نیز، به کار می‌رود^[27]. معنویت، کیفیتی فراتر از وابستگی مذهبی است و برای الهام، احترام، خشیت، معنا و هدف تلاش می‌کند^[28]. پس هر کس باید در پی چیزی باشد که برای شخص وی احساس راحتی، امید، معنا و آرامش درونی به ارمغان آورد در این راستا بیان می‌شود که بسیاری از مردم به معنویت از طریق مذهب دست می‌یابند، برخی از طریق موسیقی، هنر یا ارتباط با طبیعت.

گاهی از معماری دینی با عنوان فضای مقدس یاد می‌شود. نورمن // کونس از معماران نامی معاصر اظهار داشته است که هدف معماری دینی روشن‌کردن مرز میان ماده و ذهن، جسم و روح است. رابرت شوئر از کشیش‌های پروتستان اشاره کرده که اگر انسان بخواهد از لحاظ روانی سالم بماند باید از فضای طبیعی بهره گیرد، فضایی که برای ما به‌عنوان انسان در نظر گرفته شده هوای آزادی چون یک باغ است؛ اما در این میان ریچارد کیچهر مدرس دین و تاریخ در دانشگاه وسترن تصریح می‌کند که وارد شدن به یک ساختمان دینی استعاره‌ای از وارد شده به روابط معنوی است. وی می‌افزاید که فضای مقدس را می‌توان توسط عاملی که بر این فرآیند معنوی تاثیر می‌گذارد تحلیل کرد. طول این فضا تاکیدی بر اجتماع و بازگشت به اعمال مذهبی است؛ فضای نیایشی آن نشان‌دهنده درخواست و شنیدن پاسخ است و اشکال اجتماعی آن به‌منظور گردهمایی و ارتقای حس صمیمیت و مشارکت در نیایش است. معماری قدسی اسلام نیز پیش از هر چیزی در وجود مسجد متجلی است که خود تجسم و بازآفرینی و تکرار هماهنگی، نظم و آرامش طبیعت است؛ این ارتباط فقط بیرونی نیست بلکه از طریق پیوندی درونی، مسجد را به اصول و ریتم‌های طبیعت مربوط کرده و فضای مسجد را با آن فضای مقدس خالقیت ازلی متحد می‌سازد^[29]. در اسلام وحدت طبیعت، هم در عالم کبیر (کائنات) و هم در عالم صغیر (انسان) تجلی وحدت الهی است، به عبارتی جهان تجلی الهی است. "توحید" پایه وحدت علم و معنویت، عامل شناخت رابطه میان خدا و عالم، میان خالق و مخلوق، میان مبدأ الهی و تجلی دنیوی بوده است. در این روند ارتباط صورت و معنا (ظاهر و باطن) به‌طور اعم و نمادگرایی به‌طور اخص نقش مهمی ایفا می‌نماید ظاهر و باطن دو مقوله و مفهوم جدایی‌ناپذیر است،

معماری از دیرباز به انسان کمک کرده است که وجود خود را معنادار کند. انسان به مدد معماری پایگاهی در فضا و زمان به دست آورد، پس به امری فراتر از نیازهای عملی و اقتصادی متوجه است و به معانی وجودی توجه دارد؛ معانی وجودی از پدیده‌های طبیعی و انسانی و معنوی نشأت می‌گیرد و در قالب نظم و شخصیت به ادراک درمی‌آید. هم از این روست که معماری این معانی را به‌صورت‌های فضایی تجربه می‌کند. صورت‌های فضایی در معماری نه اقلیدسی است نه آینشتاینی. بلکه یعنی مکان و معبر و حوزه؛ به عبارت دیگر، ساختار ملموس محیط انسان. پس معماری را نمی‌توان از راه مفاهیم هندسی یا نشانه‌شناسانه به‌درستی تبیین کرد. معماری را باید در چارچوب صورت‌های معنادار (نمادین) فهمید. بدین لحاظ، معماری بخشی از تاریخ معانی وجودی است. به زعم شوئر امروزه انسان سخت نیازمند آن است که "معماری چون پدیده‌ای ملموس را دوباره فراچنگ آورد"^[23]. هوسرل معنا را در منطق استوار می‌سازد و بیان (معنا) را مستقل از ارتباط نشانه‌ای تصور می‌کند؛ اما به عقیده دریدا، میان معنا (بیان) و نشانه‌های آن نوعی درهم‌تنیدگی ذاتی وجود دارد. معنا هرگز نمی‌تواند مجرد از بافت زبان شناختی، نشانه‌شناختی و تاریخی‌اش در نظر گرفته شود. این بافت‌ها نظامی از ارجاع است که به فراسوی خود حضوری معنا اشاره دارد و سعی در نشان‌دادن پیوند ذاتی نشانه و معنا دارد^[24] (شکل ۲).



شکل ۲) آرامگاه حافظیه؛ شیراز، ایران

بر سر تربت ما چون گذری همت خواه * که زیارتگه رندان جهان خواهد بود

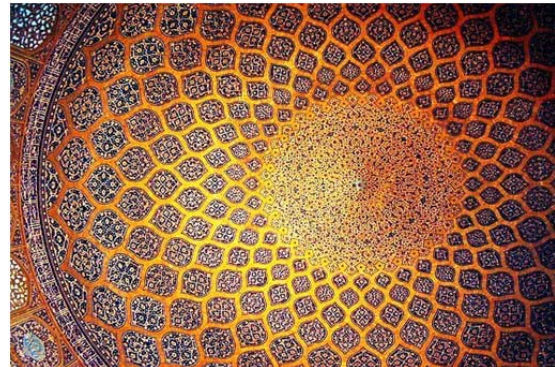
فضای معنوی: فضای مقدس فضایی است تعریف شده که وجود آن بستگی به تفسیرشدنش به‌عنوان فضای مقدس با قابلیت تمییز از سایر فضاها دارد زیرا در ارتباطی مستقیم با عوالم موجود در باور انسان باورمند قرار گرفته است. فضای مقدس توجه مخاطبش را به صور اشیا و اعمال موجود در خود متمرکز می‌کند و معنایی متناسب با باور جاری در خود بدان می‌بخشد و مرکزی می‌شود تا محیط پیرامونش را در ارتباط با خود سازمان‌دهی کند و از راه تاثیرگذاری خود و محیط سازمان داده‌اش تفکر و نگرش فرد و اجتماع مرتبط با خود را نیز به‌وسیله تداعی معتقدات نظم بخشد. از آنجا که انسان محدود در ظرف زمان و مکان است و محدود به ماده، برای نشان‌دادن ماورای خود دست به خلق فضای مقدس با مفهوم امر قدسی و معنوی می‌زند. او از این طریق سعی در تجلی نامحسوس در محسوس دارد.

باورهای ایرانی و اسلامی است. به‌طور کلی هنر دینی مبتنی بر رمزپردازی (سمبولیسم) است و زبان هنرمند زبان تمثیلی است. از جمله جایگاه‌های تجلی نمادها و به‌ویژه در ایران، هنر معماری است [35].

فضایی را که ایرانیان در معماری می‌ساختند، هم بر یافته‌های خیالی و هم کیهان‌شناختی متکی بود. در این روند تمامی عناصر آن به ژرفا برده می‌شد و هیچ چیز آن زاده هوس و اتفاق زودگذر نبود (شکل ۴). در این نظام "آنچه هست" بازتاب و رمز "آنچه باید" و "هست مطلق" بوده است. این نظام‌ها متضمن کیفیت‌های ارایه‌شده در معماری ایران بوده‌اند که هم در بخش‌های اصلی و هم در بخش‌های فرعی بنا دیده می‌شوند و مجموعه‌ای از فضاهای باز، بسته و نیمه‌باز و مرتبط با یکدیگر را ایجاد کرده‌اند. این نظام‌ها از یک زیرنقش کلی به نام سلسله‌مراتب مفهومی تبعیت می‌کرده‌اند که هم در معماری و هم در شهرسازی، فضاها و دسترسی به آنها را براساس درجه و اهمیت و سلسله‌مراتب کنار هم قرار می‌داده است [36]. از آنجا که انسان موجودی تک‌بعدی نیست و به‌صورت فطری، به جمال و نوآوری گرایش دارد، باید بکشیم تا با تکیه بر تجارب، تفکرات، روحیه زیباشناسانه و تجلی معنویت به خلق اثری سرشار از مفاهیم و مضامین معنوی در ساحت و ساختاری مادی دست یابیم.

هنرهای تزئینی در بناهای مذهبی، نشانه‌ای از کشف و شهود را در پی دارد و رنگ‌ها و شکل‌های موزون و قوس‌های صعودی و نزولی که از آفرینش پرده بر می‌دارد، هر کدام به بیننده آرامش روحی و معنوی می‌دهد، به‌عنوان مثال قاعده هشت‌وجهی گنبد، کنایه از کرسی الهی و نیز عالم فرشتگان و قاعده مربع و چهارگوش، نماد جهان جسمانی روی زمین است یا این که ساختار مقرنس در این جا بازتابی از نمونه‌های مثالی آسمان، نزول مأوای آسمانی به سوی زمین و تبلور آسمانی در قالب‌های زمینی است. قوس ایرانی، به سوی بالا حرکت دارد و به سمت آسمان و به امر متعالی صعود می‌کند و قوس مغربی، حرکتی درونی و به سوی قلب دارد. به‌دلیل آنکه هنر مقدس بازتاب واقعیات ماورایی عالم صورت است که همه ریشه و اصل آسمانی دارند، زبان از وصف آن عاجز است و به همین دلیل به زبان تمثیل بیان می‌شود رمز فقط یک عبارت قراردادی نیست، بلکه مطابق یک قانون هستی صورت نوعی یا رب‌النوع خود را متظاهر می‌کند [37]. حرکت‌هایی که در مقرنس‌ها و مشبک‌ها وجود دارد همه اشاره به رمز دارد و در اعلاترین اشکال رمزی در بناهای مذهبی مانند مساجد به کار رفته است [38]. کاربرد اشکال دوبعدی مثل مربع و دایره و اشکال سه‌بعدی مانند مکعب و کره در معماری اسلامی تمثیل زمین و آسمان است. ویژگی هنر اسلامی این است که پیوسته با روح اسلام سازگاری داشته باشد و این سازگاری دست کم در مظاهر اصلی آن مانند معماری مکان‌های مقدس نمودار است. هنر اسلامی به زیبایی اهتمام دارد، زیرا از میان همه صفات الهی که در این جهان متجلی شده، بیش از همه یادآور هستی مطلق است. بورکهارت در جایی دیگر می‌گوید: "هنر اسلامی خود همان مفهومی است که از نامش برمی‌آید، بی هیچ ابهامی" [38]. هنر اسلامی برای اهل تفکر، پشتوانه فوق‌العاده ارزشمند حیات معنوی و فرصتی گران‌بها برای یادآوری حقایق الهی است [39]. هنر اسلامی از زیبایی‌شناسی اسلامی حیات می‌گیرد که خود مبحث اصلی عرفان است و هنر مسلمان دانسته یا ندانسته از چنین منظری و با چنین دیدگاهی به آفرینش می‌پردازد [40].

نمی‌توان وجود آنها را در یک پدیده "واحد" قابل تفکیک و تقسیم دانست [30]. در شهرسازی و معماری ایرانی، از ساختار کلی شهر گرفته تا بافت ساختمانی اطراف یک گذر فرعی، قاعده‌ای کلی وجود دارد؛ منطق رشد ارگانیک، پیوسته، متفاوت با هندسه اقلیدسی و مشابه هندسه فراکتالی است در حالی که ساختمان‌های منفرد/ مستقل، ایستا و دارای انتظام هندسی هستند. معماری کاملاً هندسی (درون) مساجد با ابعاد خارق‌العاده‌اش همان‌گونه در بافت پیچ‌درپیچ و ارگانیک شهرها جای می‌گیرد که نظم هندسی نقوش قالی درون مجموعه‌ای از طرح‌های ارگانیک (گل و بته). هندسه اساساً عنصر متحدکننده جزء و کل است [31] (شکل ۳).



شکل ۳) نقش استعلایی گنبد شیخ لطف‌الله؛ میدان نقش جهان، اصفهان، ایران

روان‌شناسی محیطی معماری اسلامی: روان‌شناسی محیطی مطالعه روان‌شناختی رفتار انسان به گونه‌ای است که به زندگی روزمره او در محیط کالبدی مرتبط باشد [32]. روان‌شناسی محیطی به مطالعه نقشه‌های شناختی فرد در رابطه با محیطش می‌پردازد و ارزش‌ها، معانی و اولویت‌های محیطی را دنبال می‌کند. کلید هر تعریفی از محیط، در این نکته نهفته است که محیط دارای ویژگی "احاطه‌کننده" است. این ویژگی منجر به ایجاد مشکلات مفهومی و اصطلاح‌شناختی در فهم معانی‌ای می‌شود که هنگام استفاده از واژه محیط بدان داده می‌شود [33].

به نقل از دکتر محمد کریم پیرنیا مراد از مبانی معماری سنتی ایرانی، عبارت از اصول و ارزش‌هایی است که اولاً ریشه در اعتقادات و باورهای آسمانی و معنوی ایرانیان داشته و ثانیاً بدون انقطاع تاریخی در اثر ممارست و حقیقت‌جویی و نوگرایی ایرانیان در تماس با سایر تمدن‌ها بر پایه جهان‌بینی اسلامی ایرانی و در بستر فرهنگ و با پویایی و تصفیه و تکامل دایمی هدایتگر و راهنمای پدیدآورندگان آثار برجسته معماری و شهری بوده و ثالثاً می‌توان به‌عنوان اصولی ثابت از آنها یادکرد. ویژگی‌هایی که به هر حال کهنگی‌بردار و زوال‌پذیر نیستند، مثل مردم‌شناسی، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خودپسندی و درونگرایی برای معماری ایران ذکر می‌شود. همین طور از "توازن و تعادل و کمال و وحدت" به‌عنوان شاخص‌های بارز معماری و صفاتی همچون "روشنی، وضوح، اعتدال و متانت" و "وحدت و جامعیت" و "سلم و توازن" یاد شده است. مضافاً اینکه در متون اسلامی و فرهنگی ایرانیان نیز صفاتی برای معماری و محیط زندگی ایرانیان مطرح‌شده که صفاتی بی‌زمان و مکان بوده و تنها چگونگی تجلی آنها با توجه به امکانات در دسترس و شرایط محیطی و فرهنگی، متفاوت خواهد بود [34]. هنرهای سنتی ایران با وجود تنوع در صورت، از یک معنا سخن می‌گویند و به مفاهیمی مشترک دلالت دارند که آفریده‌ای از

منابع

- 1- Sadr SA. Encyclopedia of architecture and urbanism. Nikbakht M, editor. Tehran: Azadeh; 2001. [Persian]
- 2- Arianpour A. Culture pressed English-Farsi. 6th Ed. Tehran: Jahan Rayane Electronic publishing and information; 2006. [Persian-English]
- 3- Zevi B, Gendel M, Barry JA. Architecture as Space. How to look at Architecture. J Aesthet Art Crit. 1957;16(2):283.
- 4- Naghizadeh M, Aminzadeh B. Qualitative space. Farhangestan e Honar (Khial). 2004;(8):98-119. [Persian]
- 5- Mahdi Nejad J, Azemati AS. The study and necessity of "infill" development in urban planning and management with an approach to preserve historical texture values. 2019.
- 6- Azemati H, Zarghami E, Abad AS. The role of water in Persian gardens. J Ecol. 2017;7(01):41.
- 7- Saremi AA. About today's architecture of Iran. Archit Urban Des. 1999;(50-51):171-3.
- 8- Nazeri Nezhad D, Sadeghi Habib Abad A. An essay on the importance of space and place to bring honor to an enduring identity. Int J Humanit Cult Stud. 2016;1(1):379-95.
- 9- Hall, ET. The hidden dimension. 609th Ed. Garden City, NY: Doubleday; 1966.
- 10- Yaran A, Hadavi P. Investigating the Design indicators for increasing the security of inhabitants in high-rise residential complexes in Tehran. Armanshahr Archit Urban Dev. 2018; 11(24):53-67.
- 11- Aminzadeh B. Evaluation of aesthetics and place identity. Hoviatshahr. 2010;5(7):3-14. [Persian]
- 12- Norberg-Schulz C. Architecture Presence, Language and Place. Manhattan: Random House Incorporated; 2000.
- 13- Mansouri E, Majedi H. Exploring the meaning of quality from urban space users' viewpoint by analyzing conceptual environment codes. Armanshahr Archit Urban Dev. 2017; 10(20): 63-77.
- 14- Seamon D. The phenomenological contribution to environmental psychology. J Environ Psychol. 1982;2(2):119-40.
- 15- Mahdi Nejad J, Taher Tolodel M, Azemati H, Sadeghi Habib Abad A. An Essay on Islamic-Iranian architecture and sacred art features in terms of architectural excellence. J Ontoll Res. 2017;5(10):31-50. [Persian]
- 16- Golestani S, Hojat E, Saedvandi M. A survey on spatial integration and its evolutionary progress in Iranian ancient mosques. J Fine Art Archit Urban Des. 2018;22(4):29-44. [Persian]
- 17- Hosseini A, Foroutan M, Salehi S. Evolution of socio-spatial meaning in Iranian houses: comparative study of Arak's traditional houses and contemporary single-family houses. Armanshahr Archit Urban Dev. 2018;11(23):27-39. [Persian]
- 18- Hochberg JE. Perception. Englewood Cliffs NJ: Prentice-Hall; 1964.
- 19- Ittelson WH. Visual space perception. New York: Springer Pub Co; 1960.
- 20- Karimimoshaver M, Nikookhooy M. The role of physical factors affecting the neighborhood attachment based on perceived residential environment quality's indicator, case study: Joolan neighborhood in Hamedan. Armanshahr Archit Urban Dev. 2018;11(23):75-84. [Persian]
- 21- Lycan WG. Mind and cognition: An anthology. 3rd Ed. New Jersey: Wily; 2008.



شکل ۴) نمایی از مسجد نصیرالملک؛ شیراز، ایران

نتیجه‌گیری

اشارت به حقیقت ازلی در شهر و معماری قدسی و دینی، از معبر نمادها و رموز صورت گرفته است و رمز همه آنها از این منظر، نظم رو به مرکز و متعالی است. درک از فضا در هر دوره‌ای در چارچوب ذهنیت و انسانیت زمان خود معنا می‌یابد، با این دید تمایز سبک‌ها در معماری از چگونگی تحدید و تعریف فضا حکایت دارد. معماری با تعریف فضاهای مکث و حرکت بر ساختاری پویا تکوین می‌یابد، فضا بستر فعالیت است و با هم در کنشی متقابل‌اند، ادراک منطق فضایی کل در معماری از طریق حرکت و با صرف زمان به مانند موسیقی ممکن می‌شود. پس معماری بیان فضا و هدایت ارتباطات فضایی است و بار معنایی حاصل از گذشت زمان، فعالیت و رویدادها، فضا را تا مرحله مکان ارتقا می‌دهد. یک فضا در معماری وقتی زیباست که صفتهای ویژه فضا با عملکردهای فضا هماهنگی داشته باشد (هماهنگی فرم و فونکسیون) و این اصلی است که در بررسی معماری سنتی و قدیمی کاملاً مشهود است. معنی هماهنگی و همخوانی فرم و فونکسیون در معماری، منطبق بر برداشت کلی فلسفی از هماهنگی "صورت و محتوی" در عمل شناخت و در هر بیان هنری است. برای درک مفاهیم سنتی معماری و شهرسازی، باید دیدگاه خاص فرهنگی را نیک دریافت که این مفاهیم در درون آن به وجود آمده است. از طرف دیگر محیط نیز از جمله عوامل اثرگذار در این فرآیند است چرا که روان انسان تحت تاثیر محیط قرار گرفته و چارچوب های رفتاری او شکل می‌گیرد و در نهایت به باورهای اجتماعی تبدیل می‌شود. لذا فضایی را که ایرانیان می‌ساختند هم بر یافته‌ها فکری و هم بر کیهان‌شناختی متکی بود. در این روند تمامی عناصر آن خاصیت مادی خود را از دست داده و به ژرفا برده می‌شد و هیچ چیز آن زاده هوس و اتفاق زودگذر نبود. در این نظام "آنچه هست" بازتاب و رمز "آنچه باید" و "هست مطلق" بوده است و به‌طور کلی هنر دینی مبتنی بر رمزپردازی و زبان هنرمند زبان تمثیلی است.

تشکر و قدردانی: استاد مهرداد میلانی/دکتری ساختمان از دانشگاه فنی برلین آلمان- دیدار و مصاحبه حضوری در دانشگاه بین‌المللی قزوین.

تأییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

سهم نویسندگان: جمال‌الدین مهدی‌نژاد (نویسنده اول)، نگارنده مقدمه/روش‌شناسی/پژوهشگر کمکی (۵۰٪)؛ علی صادقی حبیب‌آباد (نویسنده دوم)، پژوهشگر اصلی/تحلیلگر آماری/نگارنده بحث (۵۰٪).

منابع مالی: موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

- recall. *J Verbal Learn Verbal Behav.* 1970;9(2):143-8.
- 33- Rezaei S, Sharghi A, Motalebi G. A framework for analysis affecting behavioral factors of residential buildings' occupant in energy consumption. *J Sustain Archit Urban Des.* 2018;5(2):39-58. [Persian]
- 34- Naghizadeh M. The relationship between the identity of the tradition of Iranian architecture and modernism. *Honar Ha Ye Ziba.* 2000;(7):79-91. [Persian]
- 35- Farshidnik F, Afhami R, Ayatollahi H. Mihrabi rugs structure: Representation of mosque architecture in rug design. *Goljaam.* 2009;5(14):9-27. [Persian]
- 36- Mahdi Nejad J, Sadeghi Habib Abad A, Lotfi Zadeh G. The Necessity of Revitalizing the Traditional Elements Effective on Economic Sustainability and Cost Management (Case Study of Tabatabai's House). *Proced Econ Financ.* 2016;36:81-8.
- 37- Rezazadeh Ardebili, M, Asadi jafari N. A Comparative on the decorative holy scrolls of mosque Minarets Gohar Shad mosque and Shah Mashhad. *J Fine Art Archit Urban Des.* 2018;23(1):55-66. [Persian]
- 38- Kalali P, Modiri A. Explanation of the role of meaning component in the process of creating the sense of place. *J Fine Art Archit Urban Des.* 2012;17(2):43-52. [Persian]
- 39- Behboudi R. Perception in architecture measuring European tourists' perception towards Isfahan's Iranian-Islamic architecture. 2012;17(3):41-8. [Persian]
- 40- Hashempour P, Nezhadebrahimi A, Yazdani S. Applying the contextualism approach in regeneration of historical textures Case Study: Tabriz SAHEB-AL-AMR Square *J Sustain Archit Urban Des.* 2018;6(1):105-26. [Persian]
- 22- Nazarian S, Balilan Asl L. investigating the physical factors of railway stations based on principles of environmental psychology. *Armanshahr Archit Urban Dev.* 2018;11(23): 115-22. [Persian]
- 23- Kheyrikhah M. Criticism: The lost of Iranian life (a look at the book of meaning in west architecture). *Ayene Khial.* 2007;(2):137-9. [Persian]
- 24- Rashidian A. Derrida and the theory of meaning in Husserl. *J Hum Sci.* 2003;(39-40):73-86. [Persian]
- 25- Bererton JP, Mohammadi M. Sacred space. *Nameh e Farhang.* 1998;(29):128-45. [Persian]
- 26- Meraviglia MG. Critical analysis of spirituality and its empirical indicators, prayer and meaning in life. *J Holist Nurs.* 1999;17(1):18-33.
- 27- Smith J, Mc Sherry W. Spirituality and child development: A concept analysis. *J Adv Nurs.* 2004;45(3):307-15.
- 28- Sadeghi Habib Abad A, Mahdi Nejad J, Azemati H. Review and assessment of influential components on creating and promoting the "sense of spirituality" in the architecture of the mosques. *J Sustain Archit Urban Des* 2018;6(1):61-78. [Persian]
- 29- Mahdi Nejad J, Sadeghi Habib Abad S. Expressions of Islamic ideas and foundations in the noble Iranian-Islamic architecture, (case study: khan school in Shiraz). *J Fundament Appl Sci.* 2016;8(3):1115-31.
- 30- Aminzadeh B. The wisdom of contacting nature in Muslim cities. *Soffeh.* 2000;10(31):40-53. [Persian]
- 31- Afshar Naderi K. Companion of opposites in Iranian architecture. *Abadi.* 1996;5(19):68-75. [Persian]
- 32- Craik FIM. The fate of primary memory items in free